

نیستند و نباید با هم دیگر مقایسه شوند یا در یک قالب تحمیلی و کلیشه‌ای قرار گیرند. این واقعیتی است که از موضوع پیشین - انسان‌ها منحصر به فرد هستند - قابل استنباط است.

فراهم کردن زمینه‌ی اعتماد به نفس و باور به توانایی‌های فردی، از اهداف مهم تربیت است، وقتی ما کودکانی را، که در ساخت شناختی، مسائل عاطفی، روابط و زمینه‌های خانوادگی و اجتماعی تفاوت‌هایی دارند، با هم مقایسه می‌کنیم و بر وجه تمایز آن‌ها اصرار می‌ورزیم در عمل زمینه‌های اعتماد به نفس و باور به توانایی‌های فردی را از فضای تربیتی کودک حذف می‌کنیم. کسانی که شیوه‌ی مقایسه‌ی فردی را اعمال می‌کنند، شاید حسن نیت هم دارند و می‌خواهند زمینه‌ی رقابت در کودکان ایجاد شود، غافل از این‌که کودکان در سنین دوره‌ی آموزش ابتدایی، آمادگی چندانی برای رقابت کردن ندارند و رقابتی که ما از آن‌ها انتظار داریم شکل حسادت، حسرت، ناامیدی و ترس از شکست به خود می‌گیرد. احساس ترس در او تقویت می‌شود، ترس از شکست، ترس از تنبیه، ترس از سرزنش و توبیخ، ترس از بی‌اعتمادی، ترس از ناکامی و بالاخره

غیررسمی، دامنه‌های گسترده و پیچیده‌ای پیدا می‌کند. با پذیرش این اصل انسانی، رفتارهای کلیشه‌ای و تحمیلی که بخواهد همه‌ی دانش‌آموزان را در یک قالب جای دهد قابل توجیه نخواهد بود. خمارلو (۱۳۷۶) بر مبنای ویژگی‌های انسانی در تربیت، نگرشی خاص ارائه می‌دهد: سال‌ها تجربه نشان داده است که تعلیم و تربیت یک جست‌وجوی مداوم در درون و برون انسان است. این واقعیتی انکارناپذیر است که هیچ دو انسانی همانند نیستند. شرایط و زمان‌ها نیز یکسان نیستند. پس در مورد هر انسانی، مسئله‌ی تعلیم و تربیت از نو مطرح می‌شود. این‌که انسان مورد نظر ما در چه شرایط و زمانی رشد می‌کند و برای تربیتش چه هدفی را باید دنبال کرد، نکته‌ای است که از تعلیم و تربیت یک جست‌وجوی مداوم می‌سازد.

آنچه در کلاس و مدرسه روی می‌دهد، در نگرشی واقع‌بینانه و پویا، بیانگر این نکته است که هر دانش‌آموز و البته هر معلم، انسانی است با نوع زندگی و تجارب شخصی متفاوت؛ اگرچه شباهت‌های کلی و جزئی هم با دیگران دارد.

مبنای رقابت، مقایسه است

انسان‌ها قابل مقایسه با یک‌دیگر

انسان‌ها علاوه بر شباهت‌ها، دارای تفاوت‌ها و یگانگی‌هایی نیز هستند. هر انسان، موجود یگانه و منحصر به فردی است که می‌تواند با اهداف و ایده‌آل‌های خود زندگی کند و ضرورتی به مقایسه و همسان‌سازی او با دیگران وجود ندارد. اگرچه انسان در زندگی گاهی ناچار به تقابل با دیگران می‌شود و حتی زمانی کار به کشمکش و تخصم می‌رسد؛ اما این بدان معنا نیست که در مسیر پیشرفت و بالندگی هم مجبور به مقایسه و رقابت باشد. نمی‌توان همه را در دالان تنگ و باریک رقابت قرار داد تا هر کس وادار شود که برتری خود را به رخ دیگران بکشد و توانایی‌ها و قابلیت‌های خود را به فراموشی بسپارد.

روان‌شناسان، تفاوت‌های فردی و جنبه‌های یگانگی انسان را قبول دارند. هیچ دو نفری نیستند که به طور دقیق شبیه به هم باشند. افراد از نظر دانش، شخصیت، نیازها، انگیزه‌ها، خزانه‌ی رفتارها و غیره، با هم تفاوت دارند. این تفاوت‌ها پیامد تجربه‌های منحصر به فردی است که هر فردی کسب کرده است. هیچ فردی نمی‌تواند دقیقاً تجربه‌هایی داشته باشد که شخص دیگر دارد (کریمی، ۱۳۷۳).

منحصر به فرد بودن هر انسان، در مسائل تربیت رسمی (آموزش و پرورش) و

ابراهیم اصلانی

انگیزش در مدرسه ۶

رقابت و تفاوت‌های فردی

ترس از مقایسه‌ی مجدد و مکرر با دیگران. این مقایسه را گاهی معلم ولی بیش‌تر اوقات والدین انجام می‌دهند که بسیار مخاطره‌آمیز است و شخصیت کودک را دچار اختلال می‌کند. کودک چیزی بیش‌تر از یک ماشین گران‌قیمت، یک خانه‌ی شیک و مدرن و وسایل منزل است که بتوان او را همانند ابزار مقایسه و استفاده کرد (زندگی، ۱۳۷۴).

سیف (۱۳۸۶) توصیه می‌کند: نسبت به اختلاف‌های فردی یادگیرندگان با احترام برخورد کنید. در یادگیری هرگز دانش‌آموزان را به رقابت وادار نکنید و از یکسان بار آوردن آن‌ها پرهیزید. شواهد نشان می‌دهند که برخوردهای والدین و معلمان در سال‌های اولیه‌ی کودکی بر رشد استعدادهای خلاق کودکان تأثیر فراوان دارد.

علاوه بر مقایسه‌های والدین و معلمان، بسیاری از دانش‌آموزان نیز به مقایسه‌ی خود با دیگران می‌پردازند. گاهی دانش‌آموزان وضعیت خود را با دیگر دوستان و هم‌کلاسی‌هایشان مقایسه می‌کنند و تحت تأثیر چنین مقایسه‌ای، می‌پندارند که پیشرفت مناسبی ندارند یا از بقیه عقب افتاده‌اند. مقایسه برای بعضی از دانش‌آموزان قوی‌تر هم می‌تواند مشکل‌ساز باشد. دانش‌آموزی که در جمع هم‌کلاسی‌ها یا دوستانش خود را قوی و برتر

ارزیابی می‌کند، ممکن است با اکتفا به این مقایسه از خود بیش‌تر مایه نگذارد و به آنچه دارد راضی شود (اصلائی، ۱۳۸۶).

مقایسه، و رقابت که از تبعات آن است به قدری در زندگی ما ریشه دوانیده‌اند که همه به آن‌ها عادت کرده‌ایم و تغییر نگرش‌ها و رفتارها درباره‌ی آن‌ها، کاری بسیار دشوار به نظر می‌رسد. مقایسه برای کسانی ضررهای بیش‌تر دارد که با انگیزه‌های بیرونی زندگی می‌کنند. شاید مقایسه نفع‌هایی داشته باشد، اما به‌طور حتم، ضررهایش بیش‌تر است، زندگی بر مبنای مقایسه، زندگی برای دیگران است و زندگی بر مبنای انگیزه‌های درونی، زندگی برای خود است (اصلائی، ۱۳۸۳).

کودکان نیز منحصر به فرد هستند. در کار با کودکان، اصل نخست انگیزش این است که با خود کودک شروع کنید. تشخیص دهید که او کیست و در چه مرحله‌ای از رشد قرار دارد. هر کودکی به چیزهایی گوناگون علاقه دارد و واجد خصوصیتی منحصر به فرد است، اما با وجود این آگاهی، وقتی والدین و معلمان کشف می‌کنند که کودکان روش‌های یادگیری و عملکرد متفاوتی دارند و این روش‌ها با نوع شخصیت آنان ارتباط دارد، تعجب می‌کنند.

با این نگرش، دانش‌آموزان در مدرسه یا

برادران و خواهران در محیط خانواده نباید با هم مقایسه شوند. اظهار نظر‌های بی‌توجهانه از سوی معلمان و هم‌چنین والدین، می‌تواند غرور و حس جاه‌طلبی کودک را نابود کند. حتی تقسیم عادلانه‌ی تعریف و تمجید نیز ممکن است محدودکننده باشد. هرچه ما درباره‌ی خودمان احساس بهتری داشته باشیم، بیش‌تر به کاوش و اکتشاف در خویش خواهیم پرداخت و احساس کامیابی و کمال خواهیم کرد (هارتلی پروثر، ترجمه‌ی ناهیدی، ۱۳۸۴).

شعاری‌نژاد (۱۳۸۵) به والدین و مربیان توصیه می‌کند که برای رشد هیجانی و عاطفی کودک باید او را همان‌طور که هست بپذیرند و از مقایسه‌ی کودک با کودکان دیگر خودداری کنند. همواره به یاد داشته باشند که دو فرد از لحاظ استعداد و عواطف هرگز شبیه به هم نیستند. از طرف دیگر، از جمله مهم‌ترین نیازهای عاطفی فرد این است که میان مربیان خود، مورد قبول واقع شود و خود را حقیر یا زاید تصور نکنند. و خود را در طول زمان مقایسه کرده که آیا روندی رو به رشد داشته است یا نه؟ سرزنش پدر و مادر مقایسه‌ی ناپسندی که آنان بین فرزندان و اطفال دیگر به عمل می‌آورند، حسادت کودکان را نسبت به آن‌ها که پیش‌تر رفته‌اند برمی‌انگیزد.

منابع

۱. اصلائی، ابراهیم. تپش زندگی، تهران: قو، ۱۳۸۳.
۲. اصلائی، ابراهیم. کلیدهای طلایی درس خواندن، تهران: مدرسه، ۱۳۸۶.
۳. خمارلو (میرهادی)، توران. جست‌وجو در راه‌ها و روش‌های تربیت، تهران: آگاه، ۱۳۷۶.
۴. روسو، ژان ژاک. امیل یا آموزش و پرورش، ترجمه‌ی منوچهر کیا، تهران: نشر محمد و گنجینه، ۱۳۷۱.
۵. زندگی، احمد. «آیا باید همه‌ی دانش‌آموزان بیست بگیرند؟»، سال ۱۳۷۴، روزنامه‌ی همشهری، شماره‌ی ۷۱۹.
۶. سیف، علی‌اکبر. روان‌شناسی پرورشی نوین، تهران: دوران، ۱۳۸۶.
۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. روان‌شناسی رشد، تهران: اطلاعات، ۱۳۸۵.
۸. شکلتون، ویویان و فلچر، کلیو. تفاوت‌های فردی، ترجمه‌ی یوسف کریمی و فرهاد جمهری، تهران: فاطمی، ۱۳۷۴.
۹. کریمی، یوسف (انتخاب و ترجمه). روان‌شناسی اجتماعی آموزش و پرورش، تهران: ویرایش، ۱۳۷۳.
۱۰. هارتلی پروثر، الیزابت. ایجاد انگیزه در کودکان، ترجمه‌ی احمد ناهیدی، تهران: جوانه رشد، ۱۳۸۴.

